

## تحلیلی بر مؤلفه رفق و مدارا از منظر صحیفه سجادیه و نقش تربیتی آن در مدارس<sup>۱</sup>

محمدتقی مبشری<sup>۲</sup>

استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

زهرا منظوریان

دانشجوی ارشد گروه الهیات دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

هادی گیاهپور

استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

### چکیده

از آن جا که انسان موجودی پیچیده است، تعلیم و تربیت او نیز پیچیده و مستلزم مقدمات فراوان و بهره‌گیری از علوم و معارف گوناگون می‌باشد. فرهنگ غنی اسلامی با داشتن ذخیره علمی متعدد در قالب کتاب‌های مذهبی به این مهم به صورت کامل پرداخته است. یکی از این کتاب‌ها، کتاب ارزشمند «صحیفه سجادیه» است که حاوی والاترین اصول تربیتی است. صحیفه سجادیه تنها کتاب نیایش و بیان حاجت به درگاه خدا نیست؛ بلکه ذخیره بزرگ علمی و تربیتی است و دستورالعمل‌های گران بهایی برای آموزش اصول اخلاقی و تهذیب به شمار می‌آید. یکی از روش‌های تربیتی این کتاب، «رفق و مدارا» می‌باشد. انسان تربیت یافته در مکتب اهل بیت (علیه السلام)، در پرتو خودسازی بر مبنای آموزه‌های اسلامی، از مراقبت بر افکار و رفتارهای خود گرفته تا تعامل با دیگران، بر پایه رفق و مدارا عمل می‌کند و همواره مراقب است تا تجسم کاملی از تخلق به اخلاق الهی و ائمه معصومین (علیه السلام) باشد. این نوشتار که به روش تحلیلی، اسنادی انجام شده است، به دنبال تبیین نگاه حضرت سجاد (علیه السلام) به مؤلفه رفق و مدارا است. نتیجه این پژوهش راهنمای معلمین و مربیان تربیتی در نحوه مواجهه با دانش‌آموزان و آموزش نکات اخلاقی به آنان است.

**کلیدواژه:** صحیفه سجادیه، تربیت، رفق و مدارا.

## ۱. مقدمه

تربیت در انسان از جمله مباحث مهمی است که کلیه مکاتب الهی و غیر الهی بدان پرداخته‌اند. از آن‌جا که انسان موجودی پیچیده است، تعلیم و تربیت او نیز پیچیده و مستلزم مقدمات فراوان و بهره‌گیری از علوم و معارف گوناگون می‌باشد. انحرافات دینی و اخلاقی موجود در جوامع بشری و کاهش انگیزه درونی دینی، بیانگر این واقعیت است که به امر عظیم تربیت آن‌گونه که شایسته است، توجه نشده است. انسان با مکارم اخلاق می‌تواند اخلاق قدسی و الهی داشته باشد و هدف از انسانیت خویش را در عالم هستی، عینیت بخشد.

قرآن غنی‌ترین منبع تربیت انسان است. در این کتاب شریف، خداوند متعال با توجه دادن به زوایای رفتاری و اخلاقی انسان، همواره او را شایسته رسیدن به مقام قرب الهی دانسته است. پس از قرآن مجید، دو سند ارزشمندی که گنجینه علوم آل محمد (علیه السلام) به شمار می‌آیند، در اختیار مسلمانان و بالأخص شیعیان قرار گرفته‌اند. یکی کتاب شریف «نهج البلاغه» و دیگری کتاب ارزشمند «صحیفه سجاده» که حاوی والاترین معارف الهی می‌باشند. صحیفه سجاده تنها کتاب دعا و نیایش و بیان حاجت به درگاه خدا نیست، بلکه ذخیره بزرگ علمی و تربیتی و اخلاقی است و دستاوردی گران بها برای آموزش اصول عقاید، خودسازی، اخلاق، زنده کردن تربیت اسلامی، ارتباط حقیقی و خالص و در عین حال ارتباط همیشگی با خداوند متعال و توبه به درگاه او به شمار می‌آید.

اعمال عبادی در واقع ظاهر دین هستند و نمایانگر باطن زیبای دین. تربیت دینی انسان، با توجه به ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری‌اش میسر است. با توجه به بعد شناختی می‌توان به آموزش افراد پرداخت. شناخت نیز دارای مراحل و درجاتی است. آنچه در مراحل اولیه مهم است، فهم معارف و توانایی کاربرد عملی آنها در زندگی است. با توجه به بعد عاطفی می‌توان با برانگیختن احساسات و عواطف افراد، انگیزه عمل را در آنان ایجاد کرد، آنگاه بعد رفتاری خود را نشان می‌دهد و فرد در میدان عمل فضایل اخلاقی را در خود پرورش داده و به احکام دین پایبند می‌شود. بنابر حدیث شریف «ثقلین»، تنها راه نجات بشر از ظلمت و سوسه‌های شیطانی و زخارف دنیوی، تمسک جستن به کتاب آسمانی قرآن و اهل بیت (علیه السلام) می‌باشد. این دو ثقل مبین اسلام، درمان همه نگرانی‌ها و تشویش‌ها را ذکر خدا (دعا و نیایش) می‌دانند. یکی از نتایج عملی تعالیم دینی، رفق و مدارا می‌باشد. انسان تربیت یافته در مکتب اهل بیت (علیه السلام)، در پرتو خودسازی بر مبنای آموزه‌های اسلامی، از مراقبت بر افکار و رفتارهای خود گرفته تا تعامل با هم نوعان، بر پایه رفق و مدارا عمل می‌کند و همواره مراقب است تا تجسم کاملی از تخلق به اخلاق الهی و ائمه معصومین (علیه السلام) باشد. شاهد مثال این سخن، صحیفه سجاده و دعا‌های خالصانه امام سجاده (علیه السلام) و مناجات‌های ایشان با خدای متعال است. صحیفه سجاده، دایره‌المعارف اسرار توحیدی و مکارم اخلاق حضرت سجاده (علیه السلام) است که به صورت دعا بیان شده‌اند و بی‌شک، نزدیک‌ترین راه ارتباطی انسان با خدا و تربیت کننده نفس او در جهان هستی است. تأسی به سخنان آن امام همام نقش بسزایی در تربیت دینی در مدارس کشور دارد.

## ۱.۱. بیان مسئله

مدارا عبارت است از رفتار همراه با تسامح و گذشت در جایی که به صورت معمول انتظار برخورد و شدت عمل وجود دارد. رفق نیز به معنای همراهی و رفاقت در حالات مختلف است. رفق و مدارا در پیشرفت مقاصد، از جمله مقاصد دنیایی، از هر چیز مؤثرتر است. در مقاصد دینی نیز رفق و مدارا از نکات مهم و اساسی است که بدون آنها مقاصد

همچون ارشاد و هدایت، عملی نخواهد شد. رفق و مدارا از مهم‌ترین عناصر استوارسازی ارتباطات میان افراد و ایجاد آرامش میان افراد یک جامعه است.

از ویژگی‌های نظام اخلاقی اسلام این است که بر طبق آن، تمامی ارزشها و صفات پسندیده اخلاقی، با تغییر اوضاع و احوال زمانی و مکانی اصالت خود را نگه داشته و از دست نمی‌دهند. معلم که سکندار تعلیم و تربیت است، در صورتی به اهداف خود نائل می‌شود که این خلیقات کریمه به ویژه رفق و مدارا را در وجود خود نهادینه نموده باشد. امام سجاد (علیه السلام) در یکی از فرازهای دعای مکارم الاخلاق می‌فرماید: «وَ اجْعَلْنِي مِنَ اَهْلِ السَّادَاتِ» پروردگارا مرا جزء پایداران و ثابت قدمان قرار ده. (دعای ۲۰، بند ۱۸)؛ بنابراین رفق و مدارا در شرایط مختلف کلید پیشبرد اهداف متعالی است. در این پژوهش برآنیم که با بررسی موارد رفق و مدارا در صحیفه سجادیه، دستورالعمل اجرایی را از سخنان امام سجاد (علیه السلام) استخراج نماییم و آنرا بعنوان الگوی تربیتی در مسیر تعلیم و تربیت قرار دهیم.

## ۱.۲. اهداف

با نگاه به تأثیر رفق و مدارا در مقوله تربیت درمی‌یابیم مهم‌ترین رسالت مربیان تربیتی تعمیق باورهای اعتقادی و رشد فضائل اخلاقی متربیان خواهد بود. در امر تربیت با اخلاق حسنه، رفق، مدارا و دلسوزی می‌توان در دل‌های افراد نفوذ کرد و آنان را به سمت ارزش‌های دینی و اعتقادی سوق داد.

ما در این تحقیق برآنیم تا با بهره‌گیری از اندیشه ناب امام سجاد (علیه السلام)، گستره رفق و مدارا را از زوایای گوناگون روابط اجتماعی مورد بررسی قرار دهیم تا جایگاه مدارا و کارکردهای مثبت آن روشن گردد. در این صورت است که معلمان جامعه اسلامی با بهره‌گیری از این آموزه‌ها و بکار بستن آنها زمینه تعالی فرهنگ را فراهم می‌آورند؛ چرا که یک مربی آگاه در سایه مدارا با متربیان خود زمینه را برای تغییر نگرش‌ها و اصلاح رفتارها فراهم می‌نماید.

## ۱.۳. واژه شناسی

کلمه مدارا به معنای رعایت کردن و صلح و آشتی نمودن و با ملایمت و آهستگی، سلوک و رفتار داشتن است. معادل دیگر مدارا در عربی، رفق است. رفق به معنای نرم خوئی و ظرافت داشتن در کار است و به کسی که نرم خوئی پیشه می‌کند، «رفیق» می‌گویند. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۴۹/۵) مدارا در لغت به معنای ملایمت، نرمی، بردباری، سازگاری، لطف، خضوع و شفقت آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷) مدارا، ضد خشونت است. (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۱۰/۳) مدارا عبارت از ملاطفت و نرمی با مردم و ترک نزاع و مجادله با آنان است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۷/۳۷۴). واژه تربیت، مصدر باب تفعیل از ریشه «رَبَبَ» یا «رَبَوَ» به معنای رشد، نمو، زیاد شدن و افزایش یافتن و اصلاح چیزی آمده است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۲/۱۴۴۳). تربیت از ریشه «رَبَبَ» عبارت است از، سوق دادن شیء مورد تربیت به سوی کمال مطلوب و رفع نقایص و کاستی‌های آن و تربیت از ماده «رَبَوَ» به معنای رشد تدریجی و تغییر کمی و کیفی متربی است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۴/۱۸).

## ۱.۴. پیشینه بحث

در خصوص رفق و مدارا از منظر صحیفه سجادیه، کتاب یا مقاله‌ای تاکنون به چاپ نرسیده است؛ هرچند که بر اساس دعاها و نیایش‌های حضرت سجاد (علیه السلام) مطالب متنوع و ارزشمندی به رشته تحریر درآمده است. از جمله آثار موجود می‌توان به کتاب «حکمت‌های گمشده در تربیت» نوشته عبدالعظیم کریمی اشاره داشت که به حکمت‌های تربیتی صحیفه پرداخته است. کتاب «بررسی نظام تربیتی صحیفه سجادیه» تألیف علی اصغر ابراهیمی‌فر، نام اثر دیگری است که در آن به اصول تربیتی صحیفه و برخی عناصر نظام تربیتی و اهداف آن در بعد دینی و اخلاقی اشاره شده است. از جمله مقالاتی که در این خصوص به رشته تحریر درآمده است می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «کارکردها و فنون مدارا در زندگی اجتماعی» که توسط علی حسین زاده، «الگوی تربیت اخلاق اسلامی از منظر امام سجاد (علیه السلام)» به نوشته اکرم فتاحی زاده فتحیه و عترت دوست محمد، «عوامل تقویت مدارا در خانواده از دیدگاه آیات و روایات» به قلم سیدعلی دلبری و لعی‌ا خاجوی مقدم، اشاره داشت اما هیچکدام از این آثار به موضوع معلم و نقش آن در تربیت دینی در مدارس اشاره ننموده است.

## ۲. مدخل

صحیفه سجادیه چشمه‌ای است که از آن جویبارهای اخلاق، ادبیات، تربیت، سیاست و ... روان شده است. این کتاب افق آگاهی دینی را برای مسلمانان گسترش داده و زلالی روح را به ارمغان می‌آورد. چشمه فطرت را لایروبی کرده و آفت‌های شخصیت آدمی را نابود می‌سازد.

صحیفه تنها شامل راز و نیاز با خدا و بیان حاجت در پیشگاه او نیست؛ بلکه دریای بیکرانی از علوم و معارف اسلامی است که مسائل مختلف عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و پاره‌ای از قوانین طبیعی و احکام شرعی را در قالب دعا بیان می‌دارد. در میان منابع اولیه تعلیم حیات بخش اسلام، بعد از قرآن کریم و نهج البلاغه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، هیچ مجموعه‌ای به عظمت و ژرفای صحیفه سجادیه نمی‌رسد. مجموعه‌ای از ادعیه و مناجات علی بن الحسین (علیه السلام) که به نام صحیفه کامله سجادیه معروف است. به نظر می‌آید این کتاب از آن جهت به صحیفه کامله معروف شده است که دستوری کامل برای حالات مختلف است. به تعبیر نویسنده مصری: صحیفه سجادیه کتاب جهاد است به هنگام تنهایی و بی‌یآوری، کتاب سخن است در سکوت، کتاب آمادگی است هنگام افتادگی، کتاب فریاد است در خفقان، کتاب تعلیم است با لبان مهر شده، کتاب مسلح گشتن است هنگام گرفته شدن همه سلاح‌ها (حسینی جلالی، ۱۴۳۱: ۲۳۱).

صحیفه سجادیه که زبور آل محمد و انجیل اهل بیت (علیه السلام) لقب گرفته است، مشتمل بر پنجاه و چهار نیایش است، که هر کدام باب تازه‌ای از معرفت به روی انسان می‌گشاید. این کتاب تنها شامل راز و نیاز با خدا و بیان حاجات در پیشگاه او نیست، بلکه دریای بیکرانی است از علوم و معارف اسلامی که طی آن بسیاری از علوم آلی و نظری، مسائل عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و پاره‌ای از قوانین طبیعی و احکام شرعی در قالب دعا مطرح شده است. همچنین حدود شصت و هشت شرح بر آن نوشته شده است.

## ۲.۱. صحیفه سجادیه، هنر هدایت‌گری امام سجاد (علیه السلام)

تبلیغ و رساندن پیام وحی به ژرفای جان انسان‌ها و هدایت آنها به سوی ارزش‌های الهی و جاودان، از آشکارترین وظایف

هر پیشوای الهی است. امام سجاد (علیه السلام) نیز دارای همان مسئولیتی بود که امیرالمؤمنین، حسن بن علی و حسین بن علی (علیه السلام) بر عهده داشتند و ایفا کردند. رسالت و وظایف امامان (علیه السلام) در اصل با هم برابر است ولی شرایط و مقتضیات زمان و نیازهای مردم هر عصر متفاوت است. این تفاوت نمی‌تواند اصول را جایجا کند و آنها را از درجه اعتبار خارج کند لیکن باید شیوه‌ها و روش‌ها را تغییر دهد. تفاوت و تمایزی که در زندگی امامان (علیه السلام) مشهود است مربوط به روش‌ها و برنامه‌هایی است که متناسب با مقتضیات همان عصر بوده و این در حالی است که عقیده، پیام و هدف آنها کمترین اختلافی باهم نداشته‌اند (سیدنزاد: ۱۳۹۵، ص ۵۸۳).

صحیفه سجادیه از جمله گنجینه‌های میراث اسلامی و از منابع کتاب‌های بلاغت، تربیت، اخلاق و ادب در جهان اسلام است و با توجه به اهمیت فراوان این کتاب، اندیشمندان بزرگ اسلام آن را «اخر القرآن»، «انجیل اهل بیت» و «زبور آل محمد» نامیده‌اند. رساندن پیام اسلام و قرآن به گوش مردم و آشنایی مجدد آنان با احکام دین در دورانی که طاغوت با به شهادت رساندن حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) سلطه کامل یافته بود و همه ارزشهای دینی دستخوش تحریف قرار گرفته و بازیچه دست افرادی چون ابن زیاد، حجاج و عبدالملک مروان شده و سبّ حضرت علی (علیه السلام) وسیله ای برای تقرب به دستگاه حکومت به شمار می‌آمد، امام سجاد (علیه السلام) با شیوه ای نو و بیانی عارفانه و مناسب در دوران خفقان، زیباترین جلوه پرستش و عبودیت و مبارزه با طاغوت را به نمایش گذاشته است.

## ۲.۲. امتیازات صحیفه سجادیه

این کتاب دارای خصوصیات و امتیازاتی است که آن را از سایر کتاب‌ها برجسته می‌سازد. برخی از خصوصیات که سبب برتری این کتاب ارزشمند شده است عبارتند از:

الف) این صحیفه زرین، میزان توجه امام سجاد (علیه السلام) به خدا و پیوستگی به او و انصراف از غیر خدا و پارسایی آن حضرت را مجسم می‌سازد.

ب) صحیفه سجادیه نور امید و رجا به رحمت پروردگار را در دل گنهکاران روشن می‌سازد و نوید امید به عفو و گذشت خدای متعال را به ما می‌رساند. علامه شیخ محمدجواد مغنیه (ره) در ذیل دعای ۵۰ صحیفه سجادیه می‌نویسد: آیا مقامی بالاتر از این دیده‌ای و یا برهانی استوارتر از این برهان مشاهده کرده‌ای؟ خدای متعال مادامی که از قدرت او چیزی کاسته نمی‌شود و عذاب کردن بندگان چیزی بر سلطنت او نمی‌افزاید، مجازات و کیفر مردم را چه می‌کند؟ (مغنیه، ۱۳۸۷: ۱۹۱-۱۹۰).

ج) بیشتر دعا‌های صحیفه سجادیه در واقع ترسیم آداب، سلوک و اصول فضایی است که باعث ارتقاء اخلاق انسانی و کمالات روحی انسان می‌شود. امام (علیه السلام) همواره در دعا‌های خویش، کامل‌ترین ایمان، بالاترین یقین و توفیق اطاعت و رضا و خشنودی پروردگار را طلب می‌کند.

د) صحیفه سجادیه دارویی شفابخش برای نفس‌های سرگردان و سرچشمه‌ای گوارا برای سیراب نمودن بندگان خالص خداست. صحیفه، تجسم بخش فلسفه دعاست، دعایی که وسیله عروج مؤمن به پیشگاه خدا و موجب آرامش پس از نگرانی است.

ه) صحیفه سجادیه نهضتی در برابر فساد لجام گسیخته بارگاه اموی و پیامدهای به جا مانده از جمود و انحطاط فکری موجود در جامعه آن روز بود.

و) صحیفه سجادیه از نظر فصاحت و بلاغت پس از قرآن کریم و نهج البلاغه در بالاترین مرتبه قرار دارد. دعاهایی با اسلوب زیبا و بدیع و ظرافت الفاظ و معیارهای ادبی که متخصصان علم بلاغت آن را شناخته و نزد آنان پر بها و ارجمند است. همه دانشمندان و شارحان صحیفه بر این مطلب تاکید دارند که بین قرآن و صحیفه سجادیه به لحاظ محتوایی، رابطه‌ای عمیق وجود دارد به گونه ای که برای هر فقره از دعاهای آن می‌توان شهادی از قرآن یافت. و رمز این هماهنگی آن است که علوم امامان (علیه السلام) از منبع فیض الهی است.

در کتاب اعیان الشیعه آمده است، بلاغت و فصاحت صحیفه و بالا بودن مضمون صحیفه از خضوع در برابر خداوند و حمد و ثنای او و اسلوب عجیبی که در طلب عفو از خداوند و کرنش و توسل به او دارد، خود دلیل محکمی بر صحت نسبت این کتاب است. همانا این در از آن دریا و این گوهر از آن معدن و این ثمر از آن شجره طیبه است (امین عاملی، ۱۳۷۱: ۵۱/۱).

### ۲.۳. تربیت از منظر صحیفه سجادیه

در صحیفه سجادیه، واژه تربیت از ریشه «رَبَّوْ» و مشتقات آن در موارد زیر به کار رفته است:

الف) «لِلَّهِمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي» خدایا آنان را [پدر و مادر] به پرورش من جزا ده (دعای ۲۴، بند ۷ و ۱۰).

ب) «اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا وَ رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا» خدایا تو مرا درست اندام آفریدی و در کوچکی پرورش دادی (دعای ۵۰، بند ۱).

ج) «وَ أَعْنِي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ» و مرا در پرورش ایشان یاری فرما (دعای ۲۵، بند ۵).

بزرگ کردن و تربیت و تکامل جسمانی گرچه مهم است ولی در اسلام تنها مقدمه ای برای تعالی روحی انسان به شمار می‌رود.

واژه تربیت از ریشه "رَبَّبَ" در کلام امام سجاد (علیه السلام) در مورد پناه بردن به خداوند از شر شیطان آمده است: «اللَّهُمَّ وَاعْمَمْ بَذَلِكَ مَنْ شَهِدَ بَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ... وَاسْتَظْهَرَ بَكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِيَّةِ» خدایا شامل این درخواست من گردان هر که را به پروردگاری ات گواهی دهد و در آموختن علم‌های خدایی بر دشمنی با او از تو کمک طلبد (دعای ۱۷، بند ۱۱).

در صحیفه سجادیه اگرچه مطالب به شکل دعا از سوی امام سجاد (علیه السلام) صادر شده است ولیکن به روشنی مبانی و اصول تربیتی اسلام از آنها استنباط می‌شود. هدف نهایی تربیت از دیدگاه امام سجاد (علیه السلام)، قرب الهی است. در سراسر صحیفه، توجه به خدا موج می‌زند. امام (علیه السلام) نظام تربیت را در قالب دعا و گفتگو با خداوند سامان می‌دهد و بر آن است تا زندگی بشر را با نام و یاد خدا و نزدیکی به او زینت بخشد و می‌فرماید: «صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ أَدْنِنَا إِلَى قُرْبِكَ» و مارا به عرصه گاه قربت نزدیک کن (دعای ۵، بند ۴).

### ۲.۴. علم اخلاق و رابطه آن با تعلیم و تربیت

علم اخلاق، در خصوص فضایل و ملکات انسان گفتگو می‌کند و انسان را به پاکسازی دل و تهذیب باطن، رهنمون می‌نماید. اخلاق صرفاً با پیدایش و خلقت انسان شکل نگرفته است؛ بلکه از سرشت و ذات آدمی نشات می‌گیرد. اخلاق جزئی از تعلیم و تربیت است؛ چرا که علم اخلاق می‌خواهد بعد اخلاقی انسان را در مسیر رشد و کمال هدایت کند، در

حالی که تعلیم و تربیت بر آنست تا همه ابعاد وجودی انسان، اعم از بعد جسمی، روحی، عاطفی، اخلاقی و دینی را به کمال برساند؛ بنابراین هدایت به سوی رشد و کمال، از اهداف مشترک هر دو علم است.

## ۲.۵. اخلاق و مدارا

در حوزه اخلاق و عرفان اسلامی، مدارا امری است فطری و رحمت و عطوفت و معاشرت نیکو با مردمان را به ارمغان می‌آورد. صفت مدارا از جمله صفات عالی اخلاقی است که از پشتوانه عقلی برخوردار است. عالی‌ترین مرتبه مدارا، رفتار ملایم و نرمی است که شخص مدارا کننده علاوه بر مدارا با نفس خود، با سایر موجودات و آفریدگان خداوند نیز رفتاری بامحبت و لطیف دارد. ادعای خدادوستی با مدارای با مردم به اثبات می‌رسد، یعنی میزان و سنجش محبت به خدا، وفق و مدارا با مردم و جامعه انسانی است (موسوی خمینی، ۱۳۷۷: ۳۲۰).

امام سجاد (علیه السلام) در مقام یکی از همان هادیان در دعا‌های بسیاری به ویژه در دعای « مکارم الأخلاق » که الگوی تربیتی اخلاق محور است، با بیان فضائل و رذائل اخلاقی به پرورش گرایش فضیلت جویی پرداخته است. ایشان در فرازی از دعای مکارم اخلاق می‌فرماید: «و أعزني و لا تبتليني بالكبر و عبیدني لك و لا تُفید عبادتي بالعجب و أجز للناس على يدئ الخیر و لا تمحقه بالمن و هب لي معالی الأخلاق واعصمني من الفخر» [خدایا مرا] ارجنمدم ساز و گرفتار کبرم مفرما و مرا بنده خود نما و بندگیم را به آلودگی خودپسندی تباه مکن. خیر و نیکی را برای تمام مردم به دست من جاری ساز و آن را از کدورت منت گذاری دور دار و خوی عالی را به من عنایت فرما و از فخرفروشی محافظتم کن (دعای ۲۰، بند ۳).

امام در این فرازها، به موانع فضائل اشاره می‌کند تا شناخت لازم برای تلاش در جهت تقویت فضائل اخلاقی فراهم آید. البته هدف تنها تقویت گرایش به فضیلت خواهی نیست؛ چرا که هستند انسان‌هایی که با وجود گرایش‌های قوی به فضائل، باز دچار خطا و اشتباه شده و آنرا صحیح و مطابق با ارزش‌های اخلاقی می‌پندارند. آن حضرت به دلیل احاطه‌ای که بر اخلاقیات و بینش انسان و شناخت خیر و صلاح آدمی دارد، در فراز دیگری از دعای مکارم اخلاق با برشمردن مصادیق فضائل و رذائل ما را در شناخت آنها یاری می‌دهد و از خطا در یافتن مصادیق، در امان می‌دارد آن جا که می‌فرماید: « اللهم صل على محمد و آله و خلیتی بجلية الصالحین و ألسنی زینة المتقین فی بسط العدل و کظم الغیظ و إطفاء النائرة و ضم أهل الفرقة و إصلاح ذات البین و إفشاء العارفة و ستر العائبة و لین العریكة و خفض الجناح و حسن السیرة و سکون الریح و طیب المخالفة و السبق إلى الفضيلة و ایتار التفضل و ترک التغبیر و الإفضال علی غیر المستحق و القول بالحق و إن عرر واستقلال الخیر و إن کثر من قولی و فعلی» خدایا بر محمد و آتش درود فرست و مرا به زینت صالحان و شایستگان آراسته فرما و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان. با گستردن عدل و داد و فرو نشاندن خشم و خاموش کردن آتش دشمنی و جمع کردن پراکندگان و اصلاح بین مردم و آشکار کردن کارهای خوب و پوشاندن عیوب و نرم خویی و فروتنی و خوش رفتاری و سنگینی و حسن معاشرت و سبقت جویی به فضیلت و اختیار کردن تفضل بردیگران و چشم پوشی از سرزنش دیگران و بخشش رایگان به غیرمستحق و گفتن سخن حق هرچند سنگین و گران باشد و ناچیز دانستن نیکی را در گفتار و رفتارم هرچند زیاد باشد (دعای ۲۰، بند ۱۰). اغراق نیست که راز موفقیت معلمان را، تنها عمل به این چند نکته بیان کنیم. نرم خویی، خوش رفتاری و حسن معاشرت، کلید موفقیت یک معلم است.

حضرت در بیان مصادیق رذائل می‌فرماید: « اللهم إني أعود بك من هيجان الجرس و سؤرة الغضب و غلبة

الْحَسِدِ وَ ضَعْفِ الصَّبْرِ وَ قِلَّةِ الْقَنَاعَةِ وَ شَكَاةِ الْخُلُقِ وَ إِلْحَاحِ الشَّهْوَةِ وَ مَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ وَ مُتَابَعَةِ الْهَوَىٰ وَ مُخَالَفَةِ الْهُدَىٰ» خدایا به تو پناه می‌آورم از طغیان آرزو و تندوی خشم و چیرگی حسد و سستی صبر و کمی قناعت و بدی اخلاق و زیاده روی در شهوت و پافشاری در عصبیت و پیروی هوا و هوس و مخالفت با هدایت (دعای ۸، بند ۱). برخی از این ردائل آسیب جدی در مسیر تعلیم و تعلم است.

## ۲.۶. تربیت مذهبی و دینی

در بین انواع تربیت، تربیت دینی از اهمیت والایی برخوردار است. بر اساس آیه ۳۰ سوره روم، خداشناسی و خداگرایی فطری بوده و تغییرناپذیر است<sup>۱</sup>، اما گاهی تحت تأثیر تلقینات و تربیت غلط از دوران کودکی، این فطرت الهی از مسیر حقیقی خود منحرف می‌شود. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ ثُمَّ أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ أَوْ نَصْرَانِيَةٍ أَوْ مَجَسَّانَةٍ» (شیخ قمی، ۱۴۱۴ق: ۷/ ۱۱۵). هر مولودی بر فطرت (توحید) زاده می‌شود سپس پدر و مادر او هستند که وی را یهودی یا نصرانی یا مجوس بار می‌آورند.

افرادی که دین و اخلاق در آنها رشد یافته، افرادی سالم و بانشاطی خواهند بود که از زندگی حیوانی عبور کرده و لذت زندگی انسانی را چشیده‌اند و قطعاً به حیات جاودانه دست خواهند یافت. رسالت اصلی معلمان و مربیان این نوع تربیت است. تربیت هنگامی نافذ است که زبان مربی و گوش متربی از راه دل، یکدیگر را درک کنند. در تعامل دل‌هاست که تربیت به شکل باطنی و درونی اتفاق می‌افتد. به فرموده حضرت علی (علیه السلام) «إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَ إِقْبَالَاً وَ إِدْبَاراً فَأَتَوْهَا مِنْ قَبْلِ شَهْوَتِهَا وَ إِقْبَالَهَا فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِيَ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۸۴) دل‌ها میلی دارند و اقبالی و ادباری، دل‌ها را از ناحیه میل آنها به دست آورید. قلب اگر مورد اکراه و اجبار قرار گیرد کور می‌شود.

اگر تربیت با روش «صاحب دلی» و با منش اهل معنا انجام پذیرد نیازی به انبوه‌گویی نیست. اگر در فرایند انتقال پیام به تمایل درونی و رغبت و انگیزه افراد توجه شود، تنها به یک اشاره کافی است تا قلب او نورانی شود (کریمی، ۱۳۸۰: ۱۱۱). اگر می‌خواهیم دانش آموزان ما بیناتر و شنواتر شوند، باید هنر خوب دیدن و خوب شنیدن را به خوبی فراگیرند. در این صورت می‌توان به تربیت عقلانی و دینی آنان امیدوار بود. اگر در مدارس بتوانیم گوش فرادادن دانش‌آموزان را به گونه‌ای تقویت کنیم که با شنیدن، ببینند و چشم‌های آنان را نیز به گونه‌ای تربیت کنیم که با نگاه‌شان بشنوند، آن‌گاه مقدمات تربیت دینی را فراهم آورده‌ایم و دیگر نیازی به برخی تبلیغ‌های صوری و نصیحت‌ها و سخنرانی‌های ظاهری نخواهد بود؛ چرا که دو چیز آینه دل است، سخن دل‌پذیر و دل‌سخن‌پذیر.

باید به نوجوان و جوان تفهیم نمود که دل و قلب او پاک و زلال است و محبوب خداست و بیش‌تر از هر زمان دیگری به خداوند نزدیک است. در این قحطی عاطفه و خزان ایمان و خلأ انسانیت، ضرورت آشنا نمودن نوجوان با تفسیری معنوی از نظام آفرینش بیش از هر زمان دیگری جلوه‌گری می‌کند (شرفی، ۱۳۹۴: ۳۳۵).

## ۲.۷. روش‌های تربیتی

روش‌های تربیتی در صحیفه سجادیه با جنبه شناخت و بینش در انسان کاملاً مرتبط است. چرا که نقش روش‌های تربیتی نیز به جنبه‌گرایشی در انسان مربوط است که در این صورت روش‌های تربیتی با هدایت‌گرایش‌ها از انحراف

۱. "فطرة الله التي فطر الناس عليها" با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است.

جلوگیری می‌کنند و بعضی دیگر نیز به بعد رفتاری برمی‌گردد که در این صورت نقش روش‌های تربیتی، معرفی الگوهای مناسب رفتاری است تا انسان با عمل به آنها به اهداف مورد نظر امام دست یابد. روش‌های تربیتی گاه تنها یک جنبه را در نظر نمی‌گیرند بلکه در پاره‌ای از روش‌ها دو جنبه را در بر می‌گیرند. ممکن است روشی از یک جهت به جنبه شناخت و از جهت دیگر به به جنبه گرایشی اشاره داشته باشد.

### ۲,۷,۱. روش‌های شناختی

این روش‌ها عبارتند از:

الف) اعطای بینش:

اعطای بینش گاه در مورد دنیا است و گاه در مورد حقیقت انسان و گاه در مورد مرگ و معاد  
ب) ذکر خدا

### ۲,۷,۲. روش‌های گرایشی

الف) توبه

ب) ناچیز شمردن خوبی‌ها و زیاد شمردن بدی‌ها

ج) یادآوری نعمت‌ها

### ۲,۷,۳. روش‌های رفتاری

الف) رفق و مدارا

ب) تکریم و احترام

ج) عفو و بخشش

موضوع در این پژوهش، تمرکز بر رفق و مدارا از منظر صحیفه سجادیه است، که به اختصار در مورد آن توضیحی ارائه می‌شود.

### ۲,۸. رفق و مدارا

رأفت و رحمت از اخلاق کریمه انسان است که از عمق عواطف او سرچشمه می‌گیرد. این نوع صفات، انسان را به همیاری در مشکلات نیازمندان و هم‌نوعان بر می‌انگیزد.

### ۲,۸,۱. رفق و مدارا در گفتار امام سجاد (علیه السلام)

رفق و مدارا همواره از اصول سیره معصومین (علیه السلام) و از جمله روش تربیتی امام سجاد (علیه السلام) می‌باشد. بردباری و وزیدن در برابر گفتار و رفتار نابخردانه دیگران، آسان نیست. آن قدر دشوار است که حضرت، خود در این باره می‌فرماید: از مردی که هنگام عصبانیت، بردباری‌اش او را درمی‌یابد، تعجب می‌کنم (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰۴/۶۸). و یا فرمودند: جرعه خشمی را که دین باور می‌نوشد، محبوب‌ترین جرعه در نزد خداوند است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷۸/۶۶). و نیز می‌فرمایند: « مَاتَجَرَّعْتُ جُرْعَةً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ جُرْعَةِ غَيْظٍ لِأَكْفَىٰ بِهَا صَاحِبَهَا » هیچ نوشیدنی برای من لذت

بخش تر از آن نیست که خشم خود را فرو ببرم و کسی را که مورد خشم واقع شده را مجازات نکنم (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۲/۴۶).

درباره پاداش این شکیبایی می‌فرمود: زمانی که رستاخیز فرا رسد، سروش آوا می‌دهد، اهل فضیلت و برتری به پا خیزند. پس گروهی پیش از حساب بر می‌خیزند. به آنان گفته می‌شود، به بهشت بروید. فرشتگان با روی گشاده از آنها می‌پرسند، کجا می‌روید؟ می‌گویند، به بهشت. می‌پرسند، چرا شایسته بهشت شدید؟ پاسخ می‌دهند ما کسانی بودیم که اگر کسی با نادانی با ما برخورد می‌کرد، بردباری می‌ورزیدیم (شریف قرشی، ۱۳۷۳: ۱۶۰).

### ۲.۸.۲. مدارا با مردم

یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های شخصیتی پیشوایان دینی ما، معاشرت صمیمانه با مردم بوده است. امام سجاد (علیه السلام) نیز همچون سایر معصومین (علیهم السلام) به دور از روابط تشریفاتی و پادشاه مآبانه، که جامعه فاسد اموی آن را گسترش می‌داد، به بشریت و انسان‌هایی که با ایشان در تماس بودند آموزش دادند. حضرت هیچگاه راضی نبود که مردم به جرم خطاهایشان گرفتار خشم و عذاب الهی گردند. به همین دلیل عفو و بخشش کنیزان و حتی آنهایی که موجبات آزار و اذیت آن امام را فراهم می‌آوردند، همواره مورد توجه تاریخ نگاران سیره امام سجاد (علیه السلام) بوده است. فردی نزد امام سجاد (علیه السلام) آمده و در مورد «الصفح الجمیل» سوال نمود. حضرت فرمودند، «العفو من غیر عتاب» بخشش بدون سرزنش. صفح جمیل این است که ببخشی و سرزنش نکنی (صدوق، ۱۴۰۴: ۳۳۶).

قطعا در امر آموزش آموزگاران با مشکلات رفتاری دانش‌آموزان و حتی اولیاء آنان مواجه می‌گردند که توجه به این نکته تأثیر فراوانی در انجام رسالت او خواهد داشت.

### ۲.۸.۳. مدارا با همسایگان و دوستان

از دیگر مواردی که در نهاد انسان، خصوصاً در سنین نوجوانی وجود دارد، محبت به دوستان و همسایگان است. همسایه نزدیک ترین کسی است که انسان ناخودآگاه در جوار او دلگرم می‌شود. و گاهی برای رفع نیازهای خود به او تکیه می‌کند. در این میان آن چه مهم است، همسایگی است یعنی همسایگان سایه‌های مشترک یکدیگر بوده و در تعامل صمیمی و مهربانانه زندگی کنند.

خداوند متعال در قرآن مجید در این رابطه می‌فرماید: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ» و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید و در باره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه [نیز نیکی کنید] (نساء: ۳۶).

امام سجاد (علیه السلام) اینگونه در مورد همسایگان بیان می‌فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ تَوَلَّنِي فِي جِيرَانِي وَ مَوَالِيِّ الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا. وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ أَجْرِي بِإِحْسَانِ مُسِيئَتِهِمْ وَ أَعْرِضْ بِالْجَاوِزِ عَنِ ظَالِمِهِمْ وَ أَسْتَعْمِلْ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَّةِهِمْ وَ اتَّوَلَّى بِالْبِرِّ عَامَّتَهُمْ وَ أَلَيْنُ جَانِبِي لَهُمْ تَوَاضَعاً وَ أَوْجِبُ لَهُمْ مَا أَوْجِبُ لِحَامَتِي» خدایا بر محمد و آلش درود فرست و مرا در رابطه با رعایت حق همسایگان و دوستانم که به حق ما معرفت دارند موفق فرما. خدایا مرا توفیق ده که بدکارشان را به احسان پاداش دهم و از ستمکارشان با گذشت و بخشش صرف نظر کنم و نسبت

به همه آنان نیک گمان باشم و با همه آنها به نیکی رفتار کنم و از باب فروتنی با ایشان نرم باشم و هر چه را برای خویشان خود لازم می‌دانم در حق آنان لازم بدانم (دعای ۲۶، بند ۲-۱). امام در این فراز، همسایگان و دوستان را در کنار هم آورده است. همسانی این دو گروه نشان می‌دهد که با همسایگان نیز باید مانند دوستان، ارتباط برقرار کرد و از حال آنها با خبر بود. این مسئله نیز باید مد نظر معلمان در طول مدت خدمت قرار گیرد؛ چرا که یکی از آموزش‌های پنهان آموزگاران، آموزش تعامل با دیگر دانش‌آموزان و دوستان است.

#### ۲.۸.۴. مدارا با والدین

مسئله حق شناسی از والدین آنچنان حائز اهمیت است که حتی بدرفتاری آنها با فرزند و یا قصور در امر تربیت، مانع از طلب خیر و احسان الهی برای آنها نمی‌شود؛ همان گونه که امام (علیه السلام) می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ وَ أَبْرُهُمَا بِرَّ الْأُمِّ الرَّئُوفِ وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لِوَالِدَيْ وَ بَرِّي بِهِمَا أَقْرَّ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْطَانِ» خداوند! چنان کن که از هیبت پدر و مادرم چون از هیبت سلطان خودکامه بیمناک باشم و به هر دو چون مادری مهربان نیکی نمایم و اطاعت از آنان و نیکی به هر دوی آنان را در نظرم از لذت خواب در چشم خواب آلوده شیرین تر قرار ده (دعای ۲۴، بند ۴).

در این فراز، امام (علیه السلام) به دو عمل متضاد اشاره کرده است. هیبت و شکوه و اقتدار والدین که به جهت رعایت ادب، نوعی فاصله ایجاد می‌کند و در عین حال مهربانی و لطف که باعث نزدیکی فرزند به پدر و مادر می‌شود. این مطلب بسیار زیبا بیان شده و حاکی از اهمیت هر دو موضوع توأم با یکدیگر است. حضرت در ادامه می‌فرماید: «اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي وَ أَطْبِ لَهُمَا كَلَامِي وَ اَلِنْ لَهُمَا عَرِيكَتِي وَ اَعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي وَ صَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقاً وَ عَلَيْهِمَا شَفِيقاً» خداوند! صدایم را در محضر آنان ملایم کن و گفتارم را بر آنان دلنشین فرما و خویم را نسبت به آنان نرمی عنایت کن و قلبم را بر هر دو مهربان ساز و مرا نسبت به هر دو خوش رفتار و دلسوز قرار ده (همان، بند ۵). نرم خوبی و فروتنی در پیشگاه والدین یکی از جلوه‌های ویژه مدارا با آن دو بزرگوار است.

خدای متعال نیز در قرآن کریم در باب گرامی داشت مقام والدین و عدم بی حرمتی به آنها می‌فرماید: «وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» پروردگار تو مقرر کرد که جز او را میپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] «اوف» مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی (اسراء/۲۳).

آیه مذکور اشاره بر احسان به پدر و مادر و مصاحبت نیک با آنان دارد. فرزندى که ایمان به خدا دارد، وظیفه واجب و مسئولیت شرعی نسبت به پدر و مادر دارد. باید با آنان به خوبی معاشرت کند. تنها جایی که سرپیچی از آنان لازم است، آن هم به صورتی که آزرده خاطر نشوند، زمانی است که فرزند را به تخلف از انجام فرمان‌های الهی دعوت کنند. اینجا اطاعت لازم نیست، ولی باید به نرمی و مدارا از اطاعت آنان سرپیچی کرد (انصاریان، ۱۳۸۹: ۲۰۳/۹).

امام سجاد (علیه السلام) در این فرازها روش‌های رفتار با والدین را این گونه بیان می‌دارد: حفظ شخصیت والدین، خوش رفتاری، اطاعت، مقدم داشتن خواست و رضایت ایشان بر خود، نیکوکاری برایشان هر چند کم باشد، زیاد دانستن نیکوکاری ایشان بر خود هر چند کم، و کم دانستن نیکوکاری خود نسبت به آنها هر چند زیاد باشد، آهسته و زیبا سخن گفتن، نرم خوی و مهربان بودن، رفیق شفیق بودن با آنان است. در رساله حقوق، در باب حق مادر و پدر بر فرزندان،

جلوه‌های مدارای والدین با فرزند در روزگار قبل از تولد و بعد از آن را بیان می‌دارد و حق آنها می‌داند که فرزندان، تا پایان عمر آنها، قدردان زحماتشان باشند.

« حق مادرت این است که بدانی او تو را در جایی نگه‌داشته که کسی نگه نمی‌دارد و از میوه دلش به تو داده که کسی به کسی نمی‌دهد و از تو با همه وجودش از گوش و چشم و دست و پا و موی و پوست، با شادمانی و سرور نگهبانی و نگهداری کرده و ناملایمات غم و اندوه و نگرانی‌ها را تحمل می‌کند و شادان و خرم است که تو را سیر نماید و خود گرسنه بماند، تو را بپوشاند و خود برهنه باشد، تو را سیراب کند و خود تشنه بماند، خود در آفتاب باشد و بر تو سایه افکند، با تحمل مشقت، آرامش و تنعم تو را فراهم آورد و با پذیرش رنج بی‌خوابی، تو را از لذت خواب بهره‌مند سازد، شکمش ظرف وجود تو و دامنش پناه‌گاه امن تو و سینه‌اش چشمه جوشانی برای رفع عطش تو و جانش فدای تو شده و سرد و گرم روزگار را به خاطر تو پذیرا گشته است. پس باید به پاس این همه محبت و زحمت، شکرگزار او باشی و هرگز نمی‌توانی مگر خدایت یاری کند» (حیدری نراقی، ۱۳۹۳: ۲۹۳) «و اما حق پدرت آن است که بدانی که او اصل تو است و تو شاخه و فرع او، اگر نمی‌بود تو نیز نبود. پس هرگاه در خود چیزی دیدی که تو را شادمان ساخت، بدان که اصل آن نعمت را از پدر داری و خدای را بر آن سپاس گو و شاکر باش» (حیدری نراقی، ۱۳۹۳: ۲۹۴).

یکی از بزرگترین و شاید بزرگترین وظیفه معلمان تبیین جایگاه والدین و رفق و مدارا با آنان است. این مهم علاوه بر بعد آموزشی، می‌تواند زمینه پیوند بیشتر اولیاء و مربیان را فراهم نماید.

## ۲،۸،۵. مدارا با کودکان

دوران کودکی، اساسی‌ترین دوران یادگیری انسان را تشکیل می‌دهد همانگونه که حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: « الْعِلْمُ فِي الصِّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ » علم آموزی در خردسالی مانند حک کردن نقش بر سنگ است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/ ۲۲۴). بدیهی است که کودک از خشونت و سخت‌گیری گریزان است. آن چه باعث تمایل کودک به ارزش‌ها و آموزه‌های دینی می‌شود، نرم‌خویی و توجه به خواسته‌های کودک است. کودکان و نوجوانان چنانچه مربی و معلم خود را مهربان و خوش‌برخورد ببینند، شیفته بیانات و نحوه سلوک مربی شده و از او الگوبرداری خواهد کرد. براساس این معیار است که انبیا و اولیای الهی (علیهم السلام) نسبت به کودکان خاص‌تر از دیگران محبت می‌کردند و با رویی گشاده و دستانی سخاوتمند، آنان را جذب ارزش‌های وحیانی می‌نمودند. رفق و مدارا با کودک و نوجوان، در تمام زمینه‌ها به ویژه در باب عبادت و آموزه‌های دینی باید رعایت شود.

رفتار با کودکان باید توأم با عطف و رحمت و شفقت باشد. آنان بیش از هرکس دیگری به نوازش و مهربانی نیازمندند و اگر عمل ناروایی از آنان سرزد و یا سخن نسنجیده‌ای شنیده شد، باید صبورانه تحمل و یا تغافل کرد مگر در مقام تأدیب که آن هم روش‌ها و زمان‌های خاص خود را می‌طلبد. این مهم برای معلمان یک اصل بوده و لازمه موفقیت در شغلشان مدارا کردن با دانش‌آموزان است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: « أَجْبُوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ » اطفال را دوست بدارید و به آنها مهر بورزید (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/ ۴۹).

امام سجاد (علیه السلام) در رساله حقوق در باب حق کودک می‌فرماید: « وَ أَمَّا حَقُّ الصَّغِيرِ فَرَحْمَتُهُ وَ تَنْقِفُهُ وَ تَعْلِيمُهُ وَ الْعَفْوُ عَنْهُ وَ السِّتْرُ عَلَيْهِ وَ الرَّفْقُ بِهِ وَ الْمَعُونَةُ لَهُ وَ السِّتْرُ عَلَى جَرَائِرِ حَدَائِثِهِ فَإِنَّهُ سَبَبٌ لِلتَّوْبَةِ وَ الْمُدَارَاةُ لَهُ وَ تَرْكُ مُمَاحَكَتِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى لِرُشْدِهِ » و اما حق کودک، مهر ورزیدن به او، پرورش و آموزش و گذشت از خطاهای کودکان و وی و نرمش و کمک کردن به اوست زیرا آن سبب توبه است و مدارا و تحریک نکردن او نیز کوتاه‌ترین راه برای

رشد او است. (حیدری نراقی، ۱۳۹۳: ۵۲۴). محبت به کودکان و احترام به آنان، سیره بزرگان دین ماست. هیچ انسانی از اشتباه و خطایمن نیست و این احتمال در کودکان بیشتر است. زیرا ادراک آنها ضعیف است و بسیاری از اعمال آنها نشأت گرفته از غرایز آنهاست که ممکن است به تبع آن گاهی ضرر و زیانی هم متوجه دیگران شود. لذا چشم پوشی از خطاهای کوچک و قابل جبران و گذشت و تغافل در قبال رفتار ناخوشایند آنها، و صحبت غیرمستقیم در مورد پیامد آن اعمال، در تربیت بهتر و عدم انجام دوباره آنها، مفید فایده خواهد بود. امام زین العابدین (علیه السلام) در دعای ۲۵ صحیفه سجادیه که مربوط به دعای والدین برای فرزندان است در فرازهای اول تا پنجم دعا، بقا و طول عمر فرزندان، پرورش خردسالان و سلامتی جسمی، اخلاقی و دینی آنان را از خدا می‌خواهد. همچنین خواهان آن است که فرزندان با داشتن علم و فضل و کمال، زینت بخش مجلسش باشند.

عبارت «تَرْبِيَتَهُمْ» در این دعا، از ماده «ربو» به معنای پرورش و رشد فرزندان است. قرینه‌ای که بر این مسئله دلالت می‌کند، کلمه «تَأْدِيبَهُمْ» است که در ادامه دعا آمده است و به بعد تربیتی فرزندان اشاره دارد. در بیشتر شرح‌ها و ترجمه‌ها نیز به همین معنا اشاره شده است. (فیض الإسلام، ۱۳۷۳: ۱۷۰). بنابراین می‌توان گفت مقوله تربیت در حکم هدف و غایت برای دیگر مقوله‌های مرتبط با تربیت فرزندان است.

در رساله حقوق، در باب حق فرزند آمده است: «وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بَخِيرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنْكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَ لَيْتَهُ مِنَ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةَ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُنَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلِ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا، الْمُعَذِّرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ، وَ لَا قُوَّةَ بِاللَّهِ» و اما حق فرزندت این است که بدانی او از تو و وابسته به تو است در زندگی دنیا، و خیر و شرش با تو است و تو مسئولیت سرپرستی او را از حسن تربیت و راهنمایی او بر خدای عزوجل و کمک او بر طاعت و فرمان برداری خدا در مورد تو و در مورد خودش به عهده داری. سپس در صورت انجام این مسئولیت، ثواب می‌بری و در صورت کوتاهی، کیفر می‌شوی. پس در باره او به گونه‌ای عمل کن که خوبی اثر او در دنیا مشهود و در پیشگاه پروردگار عذری بین تو و او باشد به سبب سرپرستی خوبی که از او کردی و نتیجه‌ای که از او گرفتی و کمکی جز از ناحیه خدا نیست (حیدری نراقی، ۱۳۹۳: ۳۱۱).

امام سجاد (علیه السلام) در این فراز، فرزند را جزئی از وجود پدر و پاره تن او می‌خواند. بدیهی است که انسان به طور فطری به خود و اشیاء و امور وابسته به خود بسیار حساس و علاقمند است و در راه نگهداریش فداکاری می‌کند. لذا این حقیقت که فرزند جزئی از وجود انسان است، لزوم عنایت پیوسته به تربیت و رشد فرزند را یادآوری می‌کند و تأکید امام بر تربیت صحیح دینی است؛ چرا که می‌فرماید عدم حسن تربیت و سرباز زدن او از طاعت الهی، عقاب خداوند را برای والدین در پی خواهد داشت. همچنین ایشان در حدیثی می‌فرماید: فرزندم، خداوند محبت و میل مرا در تو قرار نداد و ب «يَا بُنَيَّ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَرْضَكَ لِي فَأَوْصَاكَ بِي وَ رَضِيْنِي لَكَ فَلَمْ يَوْصِيْنِي بِكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ خَيْرَ الْأَبْنَاءِ لِلْأَبْنَاءِ مَنْ لَمْ تَدْعُهُ الْمَوَدَّةَ إِلَى التَّفْرِيطِ فِيهِ وَ خَيْرُ الْأَبْنَاءِ لِلْأَبْنَاءِ مَنْ لَمْ يَدْعُهُ التَّقْصِيرُ إِلَى الْعُفُوقِ» ه دلیل همین نسبت به من به تو سفارش کرد ولی میل و محبت تو را در من قرار داد و نسبت به تو به من سفارش نکرد. بدان که بهترین پدران برای فرزندان، آنانند که دوست داشتن فراوان، ایشان را به کوتاهی (در تربیت صحیح فرزندان) نکشاند و بهترین فرزندان برای پدران آنانند که کوتاهی، ایشان را (در ادای وظایف) به عقوق و نافرمانی والدین نکشاند (حائری، ۱۳۸۴: ۱۹۷). در این حدیث، امام سجاد (علیه السلام) به عنصر «محبت» در وجود پدر و مادر اشاره می‌کند که با وجود آن دیگر نیازی به تأکید خداوند بر نیکی و احسان به فرزندان نیست، اما باید مراقب بود که افراط در محبت در تربیت فرزندان خلل ایجاد

نکند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: وای بر فرزندان آخرالزمان از پدرانشان، سوال شد یا رسول الله، این نگرانی شما از پدرانی است که در آینده مشرک خواهند شد؟ فرمودند نه، از پدران مؤمنی است که به ظاهر انسان‌های معتقدی هستند اما به سرنوشت و آینده اعتقادی فرزندان‌شان بی توجه‌اند و گمان می‌کنند همین که دنیای فرزندان‌شان را آباد کنند، وظیفه خود را انجام داده‌اند (نوری، ۱۴۰۸: ۱۶۴/۱۵). در توضیح روایت مذکور، ذکر این نکته ضروری است که فرقه "مرجئه" که ساخته دستگاه بنی امیه و تمهیدات معاویه و عمروعاص بوده، گروهی بودند که مبنای فکری شان عدم پایبندی عملی و فعلی به دین بود. آنها می‌گفتند همین که مسلمان در دل، انسان مؤمن و معتقدی باشد کافی است. از اینرو امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ قَالَ الْإِيمَانُ قَوْلٌ بِلَا عَمَلٍ» کسی که می‌گوید ایمان همان گفتار زبانی یا اعتقاد قلبی است و نیاز به عمل (جوارحی) ندارد، ملعون است (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۲۸۰/۱۶).

متأسفانه امروزه در فرهنگ کشور و به ویژه مدارس و دانشگاه‌ها این تفکر رسوخ پیدا کرده است که احادیث و روایات، دیگر کاربردی نبوده و با تفکر جوانان این دوره عجین نیستند، جوان را باید برای دوره خویش تربیت نمود. اینها در واقع می‌خواهند به تدریج پیوند فرزندان و جوانان ما را از روایات اسلامی که مبین سلسله‌ای از اعمال و رفتار در همه شئون زندگی است، قطع کنند و این خطر بسیار بزرگی است که والدین باید نسبت به آن توجه لازم را داشته باشند و صرف این که در نظام اسلامی فرزندان خود را به مدرسه می‌فرستند، نباید به آنها اعتماد بخشد؛ چرا که در هر نظام و شرایطی خطر حضور افراد گمراه کننده وجود دارد. حساسیت مسئله زمانی بیشتر می‌شود که عقاید و سخنان باطل منحرفان، شکل و صورت دین و تظاهر به معنویت و بیان حق به خود بگیرد. اگر والدین از آغاز به آموزش فرزندان خود با محتوای غنی دینی اهتمام داشته باشند، فرزندان‌شان در مقابل اهل باطل و اندیشه‌های موهوم و افکار انحرافی آنان تزلزلی نخواهند داشت؛ چرا که قدرت مقاومت در برابر اندیشه‌های باطل در آنها از قبل نهادینه شده است. جوامع اسلامی به ویژه فرزندان مسلمانان همیشه در معرض خطر القائات گمراهان بوده‌اند.

## ۲.۸.۶. مدارا با خویشاوندان

در کنار توجه به رفق و مدارا در امر آموزش، سفارش آن به متریبان، از وظایف معلمان است؛ چرا که در کنار آموزش متون علمی، می‌بایست آموزش مهارت‌های اجتماعی مدنظر معلمان باشد. یکی از مهمترین مهارت‌های اجتماعی، تعامل با بستگان و خویشاوندان است.

در سخن امام سجاد (علیه السلام) مهم‌ترین سفارش در مورد خویشاوندان، حفظ ارتباط با آنان است: «وَ أَكْفَى مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَاةِ» [خدا یا مرا توفیق ده] با آن کس که رشته مودت بریده است، بپیوندم (دعای ۲۰، بند ۹). این دعا شاید خاص خویشاوندان نباشد ولی یکی از موارد برجسته آن، پیوند با خویشان است.

نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) در حدیثی می‌فرماید: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى خَيْرِ أَخْلَاقِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَصَلُّ مَنْ قَطَعَكَ وَ تُعْطَى مِنْ حَرَمِكَ وَ تَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ» آیا شما را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت راهنمایی نکنم؟ رابطه با کسی که با تو قطع رابطه کرده، بخشش به کسی که از تو دریغ نموده و عفو کسی که به تو ظلم کرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۷/۲). البته در مقابل باید از دوستی و معاشرت با انسان‌های بدکردار و کسانی که آگاهانه از مسیر هدایت الهی خارج شده‌اند، پرهیز کرد. حضرت سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: «وَ أَلَيْسَ قَلْبِي الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ» و لباس

وحشت از شرار خلقت را بر دلم بپوشان (دعای ۲۱، ۱۲۵).

### ۲،۸،۷. مدارا با ضعیفان و فقرا

یکی دیگر از مهارت‌هایی که باید به دانش‌آموزان از همان ابتدا آموزش داده شود، همنشینی با فقیران و تهی‌دستان است. از جمله اخلاق و سیره انبیاء و اولیای الهی، رسیدگی به ضعیفان و فقرای جامعه بوده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرمود: مرا در میان ضعیفان بجوئید زیرا به واسطه مردمان ضعیف است که شما روزی می‌خورید و یاری می‌شوید (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۹). زمانی که امام زین العابدین (علیه السلام) از دنیا رفت، صد خانه از اهالی مدینه را یافتند که حضرت نیازهایشان را برآورده می‌ساخت (فیض کاشانی، ۱۴۲۶: ۱۳۳). البته چگونگی ارتباط با فقیران از بذل صدقه به آنان مهم‌تر است. اگر رفع نیاز آنها با منت‌گذاری و تحقیر آنان باشد، کوچکترین ارزشی نخواهد داشت. باید با حفظ کرامت آنها، در برطرف ساختن نیازهای مادی و عاطفی‌شان کوشید. امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: «اللهم إني أعوذ بك من الإزراء بالمفليين و سوء الولاية لمن تحت أيدينا» خدایا به تو پناه می‌آورم از تحقیر تهی‌دستان و کوتاهی در حق زیردستان خود (دعای ۸، بند ۳). آن حضرت در خصوص مدارا با فقرا اینگونه می‌فرماید: «حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ» خدایا رفاقت و مصاحبت با فقیران را محبوب من قرار ده (دعای ۳۰، بند ۴).

### ۲،۸،۸. عفو و بخشش

عفو و بخشش یکی از زیباترین خصلت‌های انسان است که نه تنها رضایت خداوند بلکه آرامش روح و روان خود فرد را نیز در پی دارد. در دعای ابوحمزه ثمالی، امام ضمن آموزش طلب عفو متربی از مربی با ذکر صفت رحمت الهی به بندگان خطاکار، آنها را از یأس و ناامیدی برحذر می‌دارد. می‌فرماید: «أنت يا الهی أوسعُ فضلاً و أعظمُ جِلاًماً من أن تُفایسني بفعلی و حَطِيتني فالففو فالففو فالففو» (قمی، ۱۳۹۴: ۳۳۸). ای خدایی که فضل بی‌پایان و بردباری عظیم تو برتر از آن است که مرا با گناهم مقایسه نمایی، از من درگذر.

همچنین در دعای ۱۲ صحیفه سجادیه در اعتراف به گناه و طلب آمرزش از خداوند می‌فرماید: «سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ قَدْ فَتَحْتَ لِي بَابَ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ الْمُسْتَخَفِّ بِحُرْمَةِ رَبِّهِ الَّذِي عَظَمْتَ ذُنُوبَهُ فَجَلَّتْ تَلْفَاكَ بِالْإِنَابَةِ وَ أَحْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ فَقَامَ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ طَاهِرٍ نَقِيٍّ يَدْعُوكَ بِبِئْسَ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ يَا أَعْظَمَ مَنْ أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ وَ يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَيَّ خَلْقَهُ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ هَبْ لِي مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَكَ وَ عَافِنِي مِمَّا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ فَإِنَّكَ مَلِيٌّ بِالْعَفْوِ مَرْجُوٌّ لِلْمَعْفَرَةِ مَعْرُوفٌ بِالتَّجَاوُزِ إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَعْفَرَةِ» (دعای ۱۲، بند ۲). پاک و منزهی از تو ناامید نیستم در حالی که در توبه را به رویم گشوده‌ای بلکه سخن بنده ذلیل را به زبان می‌آورم بنده‌ای که به خود ستم کرده و حریم حرمت پروردگارش را سبک شمرده بنده‌ای که گناهش عظیم است و روی هم انباشته، با ناله و انابه به سویت روی آورده و توبه‌اش را برای تو خالص ساخته پس با دلی پاک و پاکیزه به سویت برخاسته و با این جملات تو را می‌خواند: ای مهربان‌ترین مهربانان، و ای عطف‌تر از کسی که آمرزش‌خواهان گرد او گردند و ای کسی که به خاطر گذشت‌پسندیدهاات آفریدگانت را به حمد خویش فراخوانده‌ای بر محمد و آلش درود فرست و از حقوقی که بر عهده من داری، بگذر و از عذابی که مستحق آنم معافم دار. زیرا که تو بر عفو و بخشش کمال قدرت را داری و به جهت آمرزش، موضع‌امیدی و به گذشت‌معروفی که تو شایسته‌ای که از تو پرواکنند و اهل آمرزشی.

آن حضرت دیگران را نیز به گذشت و عفو سفارش می‌کرد و می‌فرمود: «إِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى يَسَارِكَ وَاعْتَدَرَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْ عُذْرَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۷/ ۱۴۱). چنانچه شخصی از سویی تو را بدگویی کند و سپس برگردد و از سوی دیگر پوزش طلبد، عذرخواهی و پوزش او را پذیرا باش.

### ۲،۸،۹. تقدم رحمت بر نقت

یکی دیگر از روش‌های تربیتی امام سجاد (علیه السلام) روش «تقدم رحمت بر نقت» است. بر اساس این روش، مربی باید مبنای آموزش و پرورش خود را رحمت قرار دهد. خداوند متعال که رب السموات والأرض می‌باشد، رحمت را بر خود واجب کرده است. «كُنْتُ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» (انعام/۱۱). این توصیف خداوند از خود، گسترده و منحصر در گروه خاصی نیست. قرآن کریم می‌فرماید سرآغاز آموزش، داشتن صفت رحمانیت است<sup>۱</sup>. اتصاف مربی و معلم به صفت رحمت که پیش درآمد صفت مدارا است، باعث امنیت خاطر و آرامش درونی متربی خواهد شد و او به راحتی خواسته‌ها و سوالات خویش را مطرح کرده، در مقابل اگر خطایی از او سرزد، اشتباه خود را می‌پذیرد. امام سجاد (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «أَنْتَ الَّذِي وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا» (دعای ۱۶، بند ۸) خدایا تو آن کسی هستی که رحمت و دانشت همه چیز را فراگرفته است.

موارد یاد شده هر کدام در جایگاه خود می‌بایست مورد توجه معلمان و مدرسان مدارس قرار گرفته و علاوه بر بکارگیری آن به آموزش آن هم مبادرت نمایند تا زمینه پرورش صحیح و همچنین علاقه به تعالیم دینی فراهم آید.

### ۳. نتیجه

از مجموع مباحث ارائه شده به این نتیجه می‌توان دست‌یافت که دین مقدس اسلام برای ابعاد مختلف زندگی بشر دستورات عملی داشته و با استفاده از ظرفیت‌های مختلف این مهم را دنبال نموده است. یکی از این قالب‌ها مناجات‌ها و دعاها ائمه معصومین است و سرآمد این مناجات در صحیفه سجادیه امام سجاد (علیه السلام) تجلی یافته است. در این کتاب ارزشمند، مباحث مختلف اعتقادی، اجتماعی و تربیتی ارائه شده است. یکی از این ریز موضوعات موضوع رفق و مدارا است که حضرت با کلمات گهربار خود، موضوع رفق و مدارا را برای بخش‌های مختلف جامعه تبیین نموده است. با تأسی به دستورات عملی آن حضرت و تنظیم روابط اجتماعی خود، چگونگی تعامل با اقشار مختلف جامعه، اعم از والدین، فرزندان، همسایگان، افراد مستضعف و ... را می‌توان دست‌یافت. اینگونه است که به جامعه‌ای ایده‌آل که روابط افراد آن بر اساس معیارهای الهی تنظیم شده است خواهیم رسید. رسالت معلمان و مربیان خدوم آموزش و پرورش، تأسی به این فرامین از سویی و آموزش این مقوله‌ها به متربیان خود از سویی دیگر است تا در سایه آن دانش‌آموزان کشور به مهارت‌های لازم، دست یابند. امید که با تبیین این مفاهیم و تربیت افراد جامعه، به این مهم دست یابیم.

### منابع

#### القرآن الکریم

۱. الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ. (الرحمن/۲-۱)

- امین عاملی، سیدمحسن (۱۴۱۳)، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۹)، تفسیر و شرح صحیفه سجادیه، قم، دارالعرفان.
- حائری، عباس (۱۳۸۴)، بلاغۃ الإمام علی بن الحسین، تهران، مرکز الطباعة والنشر.
- حراملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، موسسه آل البيت لإحياء التراث.
- حسینی جلالی حائری، سیدمحمدرضا (۱۴۳۱)، جهاد الامام السجاد، قم، دارالحديث.
- حیدری نراقی، علی محمد (۱۳۹۳)، رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)، مهدی نراقی، قم، دارالعرفان.
- سید نژاد، سیدرضی (۱۳۹۵)، سیره تحلیلی امام سجاد (علیه السلام)، قم، نشر ادیان.
- شریف قرشی، باقر (۱۳۷۲)، تحلیلی از زندگانی امام سجاد (علیه السلام)، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- صدوق، محمدبن علی (۱۳۶۳)، الأمالی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، انتشارات اسلامیة.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، العین، به کوشش مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم، دارالهجرة.
- فیض الاسلام، علی نقی (۱۳۷۳)، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، تهران، فیض الإسلام.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (۱۴۱۵)، تفسیرالصافی، به کوشش حسین اعلمی، تهران، مکتبه الصدر.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، بحارالانوار، به کوشش رسولی محلاتی، بیروت، انتشارات موسسه الوفاء.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۷)، فی ظلال الصحیفۃ السجادیه، قم، دارالکتب الاسلامی.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۷)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ و نشر عروج.
- میرشاه جعفری، ابراهیم و مقامی، حمید (۱۳۸۴)، رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجادیه، نشریه اندیشه دینی، شماره ۱۵.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، بیروت، موسسه آل البيت لإحياء التراث.